



An Analysis of the Place of Artificial Intelligence in Criminal Proceedings

**Khalil Kazempour
Mashhadi ***

Master of Criminal Law and Criminology,
Faculty of Humanities, Islamic Azad University,
Ahvaz Branch, Iran.

Abstract

Today, artificial intelligence has started the fourth revolution by proving its capabilities and efficiency, and it has covered all areas of human life like a huge and powerful wave and has risen to the aid of many jobs. One of the fields of application of artificial intelligence is in the judicial system, which is able to create improvements and gaps in the judicial process. In this research, by using library tools and descriptive-analytical methods, a better understanding of the impact of artificial intelligence on the justice system was discussed and we came to the conclusion that by using artificial intelligence, significant improvements can be made in efficiency, accuracy, speed and access to justice in the judicial system. Also, while expressing the shortcomings of this technology in the field of judgment, we realized the fact that artificial intelligence, with its current capabilities, is not a suitable substitute for the position of judge and can only serve as a tool for judges in handling and resolving issues to resolve disputes more quickly and accurately. Due to the fact that Iran's law regarding the conditions of the judge is affected by jurisprudence and is behind other legal systems in applying artificial intelligence in its proceedings, therefore it faces challenges in this field.

Keywords: artificial intelligence, proceedings, judgment, judicial system

Received: 20/November/2024

Accepted: 18/February/2025

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

تحلیلی بر جایگاه هوش مصنوعی در دادرسی کیفری

خلیل کاظم پور مشهدی*
کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی،
دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، ایران.

چکیده

امروزه، هوش مصنوعی با اثبات قابلیت‌ها و کارآمدی خود، جریان انقلاب چهارم را به راه انداخته و همچون موجی عظیم و قدرتمند، همه عرصه‌های زندگی انسان را در بر گرفته و به یاری بسیاری از مشاغل برخاسته است. یکی از حوزه‌های کاربرد هوش مصنوعی در نظام دادرسی بوده که قادر است بهبودها و خلأهایی را در فرایند رسیدگی قضایی ایجاد نماید. در این پژوهش با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی به شناخت بهتر از تأثیر هوش مصنوعی بر نظام دادرسی پرداخته شد و بدین نتیجه دست یافتیم که با استفاده از هوش مصنوعی می‌توان بهبودهای قابل توجهی در کارایی، دقت، سرعت و دسترسی به عدالت در سیستم قضایی داشت. همچنین، ضمن بیان کمبودهای این فناوری در عرصه قضاوت، به این واقعیت پی بردیم که هوش مصنوعی با دارا بودن قابلیت‌های فعلی، جایگزین مناسبی برای منصب قضاوت نیست و فقط می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای در خدمت قضات درآید و به آنان در رسیدگی و حل و فصل سریع‌تر و دقیق‌تر اختلافات کمک نماید. با توجه به اینکه حقوق ایران در خصوص شرایط قاضی، متأثر از قواعد فقهی بوده و نسبت به دیگر نظام‌های حقوقی در به کارگیری هوش مصنوعی در رسیدگی‌های خود عقب‌تر است، لذا با چالش‌هایی در این زمینه مواجه خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی، دادرسی، قضاوت، سیستم قضایی

۱- مقدمه

هوش مصنوعی به سیستم‌هایی گفته می‌شود که می‌تواند واکنش‌هایی مشابه رفتارهای هوشمند انسانی، از جمله درک شرایط پیچیده، شبیه‌سازی فرایندهای تفکری و شیوه‌های استدلالی انسانی و پاسخ موفق به آن‌ها، یادگیری و توانایی کسب دانش و استدلال برای حل مسائل را داشته باشد. به تعبیری، هوش مصنوعی به هوشی گفته می‌شود که یک ماشین در شرایط مختلف از خود نشان می‌دهد.

هوش مصنوعی، شاخه‌ای از علم کامپیوتر است که ملزومات محاسباتی اعمالی همچون ادراک، استدلال و یادگیری را بررسی نموده و سیستمی برای انجام چنین اعمالی ارائه می‌دهد. سیستم‌های هوش مصنوعی بر روی داده‌هایی کار می‌کند که دنیای امروزی در آن غرق شده است و با داده‌کاوی و تحلیل آن‌ها به تصمیمی جامع دست می‌یابد.

بحث اصلی در این پژوهش، بررسی قابلیت‌ها و کارآمدی هوش مصنوعی در عملکرد بهتر تحقیقات جنایی و کیفیت بالاتر آن است. درواقع، در جهان پیچیده و پرتراکم امروزی از حیث جمعیت جرائم، آسیب‌های اجتماعی، اطلاعات و داده‌ها، امکان تسلط بر آن برای تجزیه و تحلیل و رسیدن به نتیجه‌گیری مطلوب با روش‌های سنتی و اتکا بر عقل و تجربه انسانی میسر نیست. بدین ترتیب، امروزه بشر نیاز به موجودیتی فراتر از قابلیت‌های خود را در عرصه‌های مختلف اذعان می‌دارد.

تحقیقات جنایی از جمله علمی است که با داده‌های معلوم و مجهول فراوانی سر و کار دارد و همچون معمایی برای کارگزاران این حوزه دارای پیچیدگی‌ها و دشواری‌های بسیار است. موضوعی که حساسیت و نگرانی جامعه و فشار برای تصمیم‌گیری در سریع‌ترین زمان ممکن نیز بر دشواری آن می‌افزاید، این حوزه بوده که کوچک‌ترین اشتباه نیز گاه صدمات و آسیب‌های جبران‌ناپذیری را در پی دارد. تحقیقات جنایی عبارت است از فرایند کشف جمع‌آوری، آماده‌سازی، شناسایی و ارائه مدارک برای تشخیص اینکه چه اتفاقی افتاده است و مجرم کیست و ارائه و التزام به راهکارهای پیشگیری از جرائم این فرایند با نیروی ماشینی، فارغ از دغدغه و محدودیت و مشکلات فکری، روحی، عاطفی و شخصی انسانی قطعاً بهتر صورت خواهد پذیرفت. در تحقیقات جنایی، استفاده از استدلال استقرایی مستلزم آزمایش و بررسی دلایل جرم و مندرجات پرونده و بهره‌جستن از این اطلاعات به عنوان پایه و اساس استنتاجات منطقی در خصوص شیوه ارتکاب جرم است. در استدلال استقرایی، ابتدا مأمور تحقیق، توضیحاتی را در خصوص جرم تنظیم نموده و سپس آن را با اطلاعات موجود در این زمینه مقایسه می‌کند. این مراحل با تحلیل‌های سیستم‌های هوش مصنوعی از طریق یادگیری ماشین، یادگیری عمیق، پردازش زبان طبیعی و غیره به خوبی انجام‌شدنی است.

بنابراین، ظهور هوش مصنوعی که در علوم مختلف کارآمدی خود را به اثبات رسانده، موجب شگفتی اهل فن در آن حوزه شده و تحولات جدی ایجاد کرده است، در تحقیقات جنایی نیز استقبال شده است. یکی از حوزه‌های کاربردی هوش مصنوعی در تحقیقات جنایی از مرحله تحقیق و دستگیری تا صلاحیت‌سنجی برای اعمال و اجرای نهادهای ارفاقی و مراقبت‌های پس از خروج از زندان است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

پرسش این است که آیا هوش مصنوعی در کارآمدی بهتر تحقیقات جنایی مؤثر و حتی ضروری است یا خیر؟ نگارنده باور دارد که استفاده از هوش مصنوعی باعث تغییر در قواعد و نحوه تحقیقات و حرکت به سمت دنیایی دیگر خواهد شد. دنیایی که شاید توأم با کنترل و نظارت بیشتر باشد؛ اما امن‌تر و نزدیک‌تر به رؤیای جامعه‌عاری از جرم خواهد بود. دستاوردی که هوش مصنوعی در این حوزه در اختیار کارگزاران تحقیقات جنایی قرار می‌دهد، عملکرد آن‌ها را در گمانه‌زنی آسیب‌های اجتماعی و بزه‌کاری برنامه‌ریزی شهری و ایجاد عامل بازدارنده جدی در بزه‌کاری و در حقیقت، خفه کردن جرم در نقطه کارآمدتر و عینی‌تر خواهد کرد که در کاهش خطای انسانی و محافظت از جان

افراد بی گناه و در معرض خطر مؤثر خواهد بود. از این رو، کاربردها و کارآمدی هوش مصنوعی در مراحل تحقیقات جنایی و در مرحله دادرسی در این پژوهش بررسی و تبیین شده است.

۲- اصول دادرسی و انواع آن و انطباق با هوش مصنوعی

پیرامون استفاده از هوش مصنوعی، در دست پیگیری‌های حقوقی و روند قضایی، اگرچه همواره مقاومت‌هایی وجود داشته و دارد و تقریباً می‌توان گفت، مباحث ارتباط و کاربرد هوش مصنوعی در حقوق و کاربردهای قضایی آن از مباحث جدید و نو پا به شمار می‌رود که به نوعی در مرحله آزمون و خطا به سر می‌برد؛ لذا، انتقادات مطروحه برخی در نفی این کاربرد و استناد به یافته‌های کنونی و عدم کاربرد جدی آن در جوامع جهانی مربوط به نظر می‌رسد؛ زیرا هنوز این کاربرد و هوشمندی به منصفه ظهور نرسیده است و نقاط ضعف و قوت آن مشخص نشده تا بتوان نسبت به ناکارآمدی و ظرف آن عقایدی مطرح داشت. کما اینکه این موضوع را باید به لحاظ داشت که در دنیای مدرن، تکنولوژی و حقوق اغلب تعامل مستقیمی دارند. تکنولوژی باعث به وجود آمدن نوآوری‌های جدید می‌شود؛ در حالی که حقوق در مسیر محافظه کارانه قدم برمی‌دارد. مثلاً تکنولوژی شبیه‌سازی انسان را مطرح نموده است؛ اما حقوق آن را منع نموده است؛ کما اینکه حقوق برگرفته از مفاهیم جامعه و ترس‌های انسانی و محافظه کاری فرهنگی بوده که می‌تواند یافته‌های بی‌پروای تکنولوژی مدرنیته و صنعت را به سختی پذیرا باشد.

ما در این پژوهش سعی داریم که بررسی کنیم هوش مصنوعی تا چه حد می‌تواند اصول دادرسی را رعایت کند. در تشریح اصول کلی حقوقی بیان شده است: اصول کلی حقوقی، مقرراتی کلی‌اند که در کلیه سیستم‌های حقوقی مورد قبول است. این اصول که شامل بنیادی‌ترین مقررات حقوقی است، بر کلیه مقررات جزئی‌تر حقوق حاکم‌اند. هدف از اساسی بودن اصول همین است که اصل حقوقی مقرراتی است کلی که مجموعه‌ای از روابط حقوقی را شامل می‌گیرد و منابع چنین مقرراتی فرعی است.

۲-۱- جایگاه دادرسی عادلانه

قضاوت، زمینه اساسی اجرای عدالت بوده و با انصاف و اثبات زمینه دادرسی عادلانه، جامعه احساس آرامش و امنیت می‌کند. به بیانی گسترده‌تر، اهداف قضا از منظر اسلام عبارت است از اصلاح جامعه، اقامه قسط و عدل، احقاق حقوق بر پایه حدود و استقرار صلح و آرامش. آنچه بنیاد آن از نظام قضایی اسلام انتظار می‌رود، تحقق این اهداف است؛ لکن برای آنکه این هدف حاصل شود، لازم است دادرسی از اصول و آیین از قبل برنامه‌ریزی شده پیروی کند و در مراحل مختلف آن، حقوق طرفین دعوا علی‌الخصوص متهم و محکوم رعایت گردد.

توانایی قاضی در اثبات موضوعات محدود است و با توجه به قاعده البینه علی المدعی، ورود به مسائل موضوعی در شأن دادگاه و دادرس نیست و قاضی نمی‌تواند در شرح موضوعات دخالت کند. این موضوع تشکیل‌دهنده اساسی‌ترین مبنای استدلال سنتی در موضوع اختیارات قاضی در اداره قضایی دلایل و تأثیر دادرس در اثبات موضوعات است که به قاعده منع تحصیل دلیل از سوی دادگاه معروف است و هرچند نقدهایی بر این نظریه وارد شده که منجر به تعدیل و همکاری بین طرفین دادرسی و دادرس گشته؛ اما موجب جابه‌جایی این مسئولیت نشده است. اصول و مقرراتی که ترسیم‌کننده مرزهای حرکت، اختیارات و توانایی‌های قاضی در اثبات موضوعات هستند، به شرح زیر است:

نخست؛ اصل رعایت حدود خواسته. دادرس نمی‌تواند به بهانه اختیار حاصل از ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی به دنبال وقایعی باشد که اصحاب دعوا بیان نکرده‌اند. هوش مصنوعی می‌تواند در حدود خواسته به بررسی پرونده بپردازد و ادله را جست‌وجو نماید.

دوم؛ اصل بی‌طرفی دادرس. بر این اساس، حتی در فرضی که دادرس رأساً می‌تواند به دلایل استناد کند و یا دستور ابراز مدرکی را صادر کند، این کار او نباید بر اساس طرفداری وی به سود یکی از طرفین دعوا باشد. از آنجا که ربات‌ها و برنامه‌های هوش مصنوعی فاقد روابط اشخاص حقیقی و حقوقی هستند و فاقد احساس هستند، می‌توانند اصل بی‌طرفی را رعایت کنند و موارد رد دادرس در خصوص آن‌ها صدق نمی‌کند.

سوم؛ اصل سرعت. بر این اساس، محکمه باید به دنبال انجام تحقیقات و اقداماتی باشد که زمان دادرسی را از حد معقول و متعارف خارج نساخته و موجب اطاله دادرسی نشود. هوش مصنوعی می‌تواند بی‌وقفه و بدون خستگی به تجزیه و تحلیل پرونده‌ها بپردازد (محسنی، ۱۳۷۹).

۲-۲- اصول دادرسی

در این قسمت به معرفی بعضی از اصول پرداخته و جایگاه آن‌ها را در قوانین مختلف بررسی و تبیین می‌نماییم. بند اول) اصل علنی بودن جلسات دادرسی: این اصل از اساسی‌ترین اصول دادرسی محسوب می‌گردد. اهمیت آن از این رو است که رعایت آن تأثیر شگرفی در شفافیت جلسات محاکمه طرفین دعوا دارد. اصل علنی بودن دادرسی ضرورت دارد دو تکلیف را تأمین کند. یکی حمایت از متهم در برابر محاکمات مخفیانه و دیگری جلب اعتماد عامه جامعه نسبت به اجرای عدالت. وظیفه ویژه این اصل عبارت از تضمین نظارت اجتماعی بر اجرای مستقل عدالت است؛ زیرا محروم کردن عامه جامعه از امکان مشاهده رسیدگی در محاکم منجر به رأی ناصواب و احتمال بروز فساد می‌گردد. علنی بودن دادرسی در محاکمات کیفری و دادرسی‌های مدنی ضروری است؛ اما در محاکمات کیفری از اهمیت و ضرورتی به مراتب بیشتر برخوردار است؛ به گونه‌ای که امکان دسترسی عموم، عنصری انکارناپذیر در تأمین دادرسی منصفانه است. از این رو، این اصل، هم در قوانین ملی و هم در مقررات بین‌المللی حقوق بشر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ اما دادرسی محرمانه که ویژه پرونده‌های امنیتی است، امری کاملاً استثنایی به شمار می‌رود.

توجه به یک موضوع درباره اصل علنی بودن دادرسی ضروری است و آن اینکه علنی برگزار کردن محاکمه قبل از آنکه اصحاب دعوا باشد، تکلیف دادگاه است و متوقف بر درخواستی از سوی اشخاص نیست. البته، این اصل استثنائی دارد که تقاضای اشخاص با تشخیص دادگاه می‌تواند یکی از آن موارد باشد؛ اما در حال حاضر، اگر از این اصل به عنوان یک اصل کلی حقوقی کیفری جدید نام برده شود، نهاد قضایی اسلام این افتخار را دارد که از آغاز در دکترین و دیدگاه قضایی خود بر آن تأکید داشته است، قضاوت‌های امام علی علیه‌السلام در مسجد و در دکه قضای معروف خود بهترین شاهد آشکار بر این نظر است. ایشان قاضی منصوب خود را که زمانی شاید به علت بیماری در منزل خویش به قضاوت نشسته بود، ملامت فرمود که چرا چنین کرده و این عمل او را روان دانسته؛ زیرا اجرای عدالت را مردم باید ببینند و این عادلانه‌تر است بین مردم (یاوری، ۱۳۸۳).

این تعبیر یادآور آن بیان معروف است که می‌گویند عدالت تنها باید اجرا شود بلکه آن باید دیده شود. تهمت‌های ناروا را دور نگاه می‌دارد. اصل قانون اساسی در این خصوص مقرر می‌دارد: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است» (اصل ۱۶۴ قانون اساسی).

در ماده ۹۱۱، ۹۷۱ و ۹۷۹، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری این اصل اشاره شده؛ اما جای خالی آن در خلال مواد قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی احساس می‌گردد.

درعین حال، با توجه به پیش‌بینی حق دادرسی در قانون اساسی و با وحدت ملاک از ماده ۹۱۱ قانون جدید می‌توان رعایت آن را در رسیدگی‌های غیر کیفری نیز تجویز کرد.

هوش مصنوعی می‌تواند جلسات رسیدگی را به شکل علنی برگزار کند و در برابر سایر افراد، خود را در معرض قضاوت قرار دهد. هوش مصنوعی می‌تواند این اصل را که یکی از اصول دادرسی است، رعایت نماید. ما می‌توانیم این اصل را با شرایط هوش مصنوعی انطباق دهیم و هوش مصنوعی می‌تواند در قضاوت‌های خود دادرسی را به صورت علنی برگزار کند.

بند دوم) حق مراجعه به دادگاه مستقل و بی طرف: هر شخصی می‌تواند که دعوایش به طور منصفانه، علنی و در یک مدت زمان معقول، به وسیله دادگاهی مستقل و بی طرف که به موجب قانون تأسیس شده باشد، شنیده شود. این حق در اصل ۷۲ قانون اساسی و به نحوی در مواد ۴ و ۲۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی پیش‌بینی شده است.

اصول استقلال صلاحیت و بی طرفی قاضی، از شرایط اولیه تدارک محاکمات عادلان اصل در دکرترین قضایی اسلام و قضا از چنان شأن و جایگاه رفیعی برخوردار است که تنها انبیاء و فقیهان پارسا شایسته آن هستند. آیات و روایات فراوانی وجود دارد که دلالت می‌کند بر منع اعتراف و رجوع نزد حاکمان و قضات جرم، به ویژه اگر نوعی معاونت در آنان به شمار آید؛ به گونه‌ای که حتی فرمودند اگر حق خود را به واسطه حکم قاضی یا حاکم جور و ستم گر بگیری، سخت حرام است و رضایت به حکم و فرمان جائز آن تحریم شده است. همچنین، صلاحیت علمی برای قضاوت چنان مهم است که حکم قاضی غیر عالم، هر چند به حق باشد، نافذ نیست (صادقی، ۱۳۴۸).

استقلال و بی طرفی، دو شرط اساسی و لازم و ملزوم یکدیگرند و از ویژگی‌های اساسی قضاوت اسلامی هستند. امام علی علیه السلام در نامه تاریخی خود به مالک اشتر که باید از آن به عنوان «منشور حکمرانی خوب» تعبیر کنیم، سفارش فرمودند که قاضی، از نظر منزلت و مقام آن قدر بالا ببرد که هیچ یک از یاران نزدیک به نفوذ در او طمع نکنند. این شأن و مرتبه قاضی را امیرالمؤمنین خود در زمان عمارت از آشکار و نمایان آنجا که همانند یک فرد عادی برای دفاع یا دادخواهی به قاضی مراجعه می‌کند (فرحزادی، ۱۳۷۹).

حفظ استقلال قاضی با اعمال نظارت بر عملکرد عنوان آفات ندارد بلکه به منظور اطمینان از تحقق عدالت که اصلی ترین هدف قضاوت اسلامی است، ضروری می‌نماید. البته، منظور از این نظارت سلسله مراتبی اداری نیست بلکه نظارت فنی، علمی، حقوقی و قضایی است. امروزه، آئینه تجدیدنظر و پژوهش از شاخص‌های سیستم قضایی عادلان است؛ ضمن اینکه نظارت عمومی نیز از طریق علنی بودن دادرسی تأمین می‌گردد. این دو پیش از آنکه در نظام‌های موضوع پذیرفته شود، در سیره نظام قضایی اسلام بسیار مورد توصیه و تأکید بوده‌اند.

اصل علنی بودن جلسات دادرسی، یکی از مهم ترین اصول در دادرسی بوده و از اهمیت بالایی برخوردار است. در انطباق با شرایط هوش مصنوعی به این نتیجه می‌رسیم که منعی در این خصوص وجود ندارد و هوش مصنوعی می‌تواند علنی بودن جلسات را تعیین کند. از آنجا که هوش مصنوعی فارغ از احساسات است، یک شیء بی طرف، دادرسی آن به صورت بی طرف و عدم جانب‌داری از شخص دیگری صورت می‌گیرد (یاوری، ۱۳۸۳).

بند سوم) اصل حق دفاع طبق این اصل، باید ترتیبی داده شود تا خوانده از اقامه دعوا علیه خود، آگاه و امکانی فراهم آید تا طرفین در فرصتی برابر، ادعاها و ادله خود را ابراز نمایند.

اصول ۱۳۹، ۳۷، ۷۲ و غیره قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۹۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی صریحاً به این اصل اشاره نشده است؛ اما تبصره ۹ ماده ۴ به آن اشاره شده است.

قانون شورای حل اختلاف، در مقام بیان برخی از اصول و قواعد قانون آیین دادرسی، از اصل حق دفاع نام می‌برد؛ اصلی که مبنای اصل ۷۳ قانون اساسی و مواد ۱۷۹، ۴۷۹، ۱۳، ۷۲۱ و برخی دیگر از مواد قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است. دادگاه عالی انتظامی قضات، در حکم شماره ۲۷۲۴-۹۷۴۳/۳/۴۴ از این اصل به‌عنوان یکی از اصول اساسی و عناصر اصلی عموم دعاوی یاد می‌کند. اصول دیگری وجود دارند که به لحاظ جلوگیری از اطاله کلام به ذکر عنوان آن‌ها اکتفا می‌شود: اصل ترافع، تناظر، اصل عادلانه بودن دادرسی، اصل اعتبار امر مختوم، اصل لازم‌الاجرا بودن حکم قطعی، اصل جلوگیری از صدور احکام معارض و اصل برابری اصحاب دعوا. اصول حاکم بر روند دادرسی عادلانه هستند. اصل تساوی سلاح‌ها را می‌توان از زیرمجموعه‌های اصل حق دفاع عنوان کرد (علی‌محمدی، بی‌تا).

حق تساوی طرفین در برابر قانون، یکی از حقوق اساسی و بنیادین شناخته‌شده در اسناد جهانی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورهاست. بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری مساوی هستند...». در قانون اساسی ایران نیز در فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» بر اصل تساوی افراد تأکید شده است. اصل ۱۹ مقرر می‌دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». در حقوق اسلام، فقها در کتاب قضا با عنوان «وجوب تسویه بین الخصمین» می‌گویند: «قاضی باید در سلام گفتن و نشستن و سخن گفتن و توجه به طرفین، مساوات را رعایت کرده و به اظهارات طرفین یکسان گوش داده و در صدور حکم عدالت را رعایت کند». در حقوق دادرسی، رعایت اصول مساوات در رفتار با طرفین از ارکان تحقق رسیدگی منصفانه به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر است. در حقوق دادرسی، منظور از مساوات، رفتار یکسان و برابر مقام رسیدگی‌کننده با آن‌هاست؛ بنابراین در رسیدگی، قاضی به‌عنوان مقام طرفین دعوا و منع هرگونه تبعیض ناروا نسبت به رسیدگی‌کننده باید نسبت به طرفین رفتار یکسان و برابر داشته، از هرگونه تبعیض ناروا نسبت به یکی از آن‌ها خودداری نماید (یاوری، ۱۳۸۳).

هوش مصنوعی از طریق تحلیل داده‌ها این امکان را دارد که بتواند اسناد و مدارک را بی‌هیچ کاستی بررسی کند، اظهارات را بدون فراموشی شنود نماید و بدون هرگونه تبعیض، رأی را صادر کند.

بند چهارم) اصل تعادل توافعی یا تناظر: روشن‌ترین معنای اصلی مشترک بین تمام انواع سیستم‌های دادرسی همین است که هر دو طرف دعوا باید شنیده شوند. از طریق اصل تناظر قضات هرگز نباید مجوز به اتخاذ تصمیم درباره دعوی بر مبنای اطلاعاتی به غیر از آنچه که در جریان دادرسی ارائه شده را داشته باشند و در معرض بحث و مجادله بین طرفین قرار گرفته است، باشد. بدون تردید، اصل تناظر اصلی‌ترین اصل حاکم در زمینه آیین دادرسی مدنی است. محدوده این اصل، کلی و عام بوده و بر هر قسم دادرسی اعم از داخلی و بین‌المللی و نیز اعم از دادرسی‌های کیفری، اداری، مدنی و انتظامی حاکمیت دارد. اصل تناظر، یک اصل کلی حقوق در حوزه آیین دادرسی بوده و اعتبار و مقبولیت آن فراگیر است. در توصیف اصل تناظر می‌توان گفت از اصول بنیادین در دادرسی مدنی بوده که به‌موجب آن، هر یک از طرفین دعوا اعم از خواهان و خوانده محق هستند، در زمانی مناسب نسبت به کلیه ویژگی‌های ارائه‌شده به قاضی یا استخراج‌شده از جانب او که قابلیت تأثیر بر نتیجه دادرسی را دارند، مطلع شده و امکان مناقشه در خصوص عناصر مزبور را پیش از اتخاذ تصمیم مؤثر بر حقوق و منافع دوست داشته باشند (مرادی، بی‌تا). برابری اصحاب دعوا از نظر حقوقدانان اصل تناظر را به وجود می‌آورد. اصل تناظر با اصل برابری اصحاب دعوا، رابطه لازم و ملزوم و نزدیکی دارد و به نام آن تأیید می‌گردد. اصل برابری سلاح‌ها یا برابری امکانات دفاع محققین حقوقی اروپا بر مبنای بند یک ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، این نتیجه را دریافت نموده‌اند و مفاد آن بسیار نزدیک به اصل تناظر است؛ اما مبتنی بر تضمین برابری موقعیت طرفین دعوا معرفی شده است. برابری سلاح‌ها، یک اصل بنیادین دادرسی

عادلانه است. دیدگاه دادگاه اروپایی حقوق بشر و تساوی سلاح‌ها متضمن این تعهد است که باید به طرفین امکان معقولی برای طرح ادعای خویش داده شود؛ به گونه‌ای که یکی از طرفین در قیاس با طرف دیگر در شرایط نامساعد قرار نگیرد.

در مکتب حقوق فرانسه، ریشه اصل تناظر به قاعده لاتین به مفهوم «طرف دیگر را گوش بده» برمی‌گردد. می‌توان به اساس تناظر در یک اصل عقلانی و فطری و یک اصل ذاتی محاکم دست یافت. اصل تناظر یک قاعده خاص در دادرسی و قضایی در سیستم‌هایی است که از مکتب‌های دموکراتیک نشئت گرفته است. هر زمانی که شخص یا سازمانی ملزم به تصمیم‌گیری شود، در شرایط و وضعیتی که تصمیم‌گیری او تأثیر مستقیمی بر حقوق و انتظارات اشخاص داشته باشد، تعهدی ضمنی بر مبنای رعایت اصول عدالت طبیعی بر ذمه او مقرر می‌گردد که خود دربرگیرنده دو قاعده «طرف دیگر را بشنو» و «هیچ کس نمی‌تواند در دعوی خود قاضی باشد» است که اساس آن‌ها را در حقوق رمی ژرمنی می‌توان یافت. اصول حقوقی یادشده آن‌چنان روشن و واضح هستند که ضرورتی به مبنای قانونی ندارند و به عنوان دو تضمین حقوقی بنیادین، بر تمام تصمیمات قضات یا مقامات حکومتی در لحظه تصمیم‌گیری قضایی یا شبه قضایی، تأثیر دارند. اینکه هیچ کس نباید بدون استماع نظرات محکوم گردد، یکی از اصول عدالت طبیعی است که به عنوان اولین اصل حقوق و اصل بین‌المللی دادگستری بیان شده است. از این حیث است که خداوند در قرآن به پیامبرش می‌فرماید: هرگاه خواستی میان نامسلمانان داوری کنی، باید میانه‌روی و مساوات را بین آنان مراعات نمایی (مائده ۵۱). آیین دادرسی پیامبر (ص) نیز بر پایه یکسان‌نگری میان طرفین دعوی و شکیبایی در شنیدن گفته‌ها و ادله خواهان و خوانده استوار بود (حیدری، ۱۳۸۹).

اصل حق دفاع و یا اصل تناظر، یکی از اصول مهم دادرسی به شمار می‌آید. منعی در این خصوص وجود ندارد که هوش مصنوعی نتواند اصل تناظر را رعایت نماید. هوش مصنوعی می‌تواند به هر یک از طرفین، مهلت معقولی جهت دفاع بدهد و یا اینکه اسناد، مدارک و دلایل آن‌ها را در زمانی معقول و مشخص مورد بررسی قرار دهد. هوش مصنوعی می‌تواند اصل تناظر را که یکی از اصول مهم دادرسی است، رعایت کند و در راه رسیدن به عدالت کوشش نماید. هوش مصنوعی می‌تواند اصل تناظر را میان اصحاب دعوا رعایت کند و فرصت دفاع را به آن‌ها بدهد.

۳- هوش مصنوعی و قضاوت

تشخیص برای قضات دارای اهمیت است؛ بنابراین، سیستم قضایی در اقدامات صورت گرفته جهت کاهش مدت زمان این روند از طریق کاربرد کامپیوترها تأکید می‌کند. علاوه بر این، اصولاً رسمی‌سازی با عملکرد قضایی در جالب‌ترین حیطه‌های حقوقی تطابق ندارد. این فرضیه از نظر شک و شبهه قانونی طبق قواعد حقوقی است. اینکه فقط توسط کارگزاران فرایند قانونی، یعنی قضات و حقوقدانان تدوین می‌شود، نشان می‌دهد محکومیت، فرآیندی اجتماعی است که بر اساس روابط بین کارگزاران حقوقی مشخص می‌شود.

تاریخچه کوتاه هوش مصنوعی در زمینه امور قضایی با تأکید بر چالش‌های دشواری که هوش مصنوعی و حقوق با آن‌ها روبه‌رو است، به راه‌حل‌هایی اشاره می‌کند که ناشی از اصول و مقررات ما هستند. حقوق و هوش مصنوعی در پاسخ به این چالش‌ها، مدل‌ها و تکنیک‌های بسیار پیچیده‌ای را ارائه می‌دهند که به مسائل مورد انتقاد اولیه می‌پردازد و شامل استدلال پرونده‌محور مباحث رسمی، تئوری‌پردازی، شبکه‌های عصبی، جلسات و مناظرات رسمی جمع‌آوری اسناد هوشمند و ابزار حمایت از صدور رأی تشخیصی هستند و آگاهی عمیق‌تر و شفاف‌تری را در مورد برخی جنبه‌های حل مسائل قضایی و حمایت مؤثر از قضات و همکاران آن‌ها ارائه می‌دهند.

قضات بین بودجه‌های محدود و افزایش تقاضا برای قضاوت گرفتار بوده و به‌سختی جهت حفظ کیفیت فرایند صدور رأی تلاش می‌کنند. درحالی‌که محدودیت‌های منابع و زمان نیز کنار می‌آید، ابزارهای هوش مصنوعی انعطاف‌پذیر برای حمایت از صدور رأی ممکن است درجه کافی عدم تشابه و یکنواختی و کارایی را در روند قضایی افزایش دهد و از عملکرد منطقه تشخیص قضات حمایت کند.

هوش مصنوعی به روش مشابهی برای تطبیق، انعطاف‌پذیری، کارایی و صحت در امور تکمیلی مانند پیش‌نویس اسناد و مدارک قضایی مختلف کمک می‌کند. در نتیجه، معتقدین تکنولوژی هوش مصنوعی در مراحل اولیه منجر به سریع‌تر، ارزان‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر شدن فرآیند قضایی، بدون تأثیر بر یکپارچگی استدلال تشخیصی قضات می‌شود.

۴- کاربرد هوش مصنوعی در دادرسی‌ها

در این مبحث می‌خواهیم این مسئله را بررسی کنیم که چه دعاوی از طریق هوش مصنوعی قابلیت رسیدگی دارند و اینکه در چه کشورهایی از هوش مصنوعی بهره برده‌اند تا برای دادرسی‌های خود و بیان مزایا و معایب استفاده از هوش مصنوعی، آن‌ها را مطرح کنیم.

تاریخچه هوش مصنوعی با توسعه مداوم جنبه‌های شناخت انسان و مهارت‌های قابل اصلاح مدل‌های محاسبه‌ای مشخص شده هوش مصنوعی، در ابتدا در حوزه‌های رسمی مانند اثبات قضیه‌هایی به کار می‌رفت که تقریباً حاصل پیچیدگی و تجربه معمولی انسان‌ها بوده و به محاسبات پیشرفته، پردازش طبیعی زبان، سیستم‌های کارشناسی، برنامه‌ریزی رباتیک و استدلال کیفی به گسترش دامنه‌ای از تجارب و رفتار انسانی در رابطه با هوش مصنوعی پرداخته‌اند. این تمایل عمومی، بررسی هوش مصنوعی و حقوق را نیز شامل می‌شود. هر تحقیق به حوزه‌های حقوقی مرسوم مانند مراحل اجرایی می‌پردازد که شامل کاربرد ساده قوانین سریع در مورد حقایق بحث‌برانگیزند. با این حال، اخیراً تحقیقی به ایده‌های پیچیده و چالش‌برانگیز فرایند قانونی صدور رأی غذایی پرداخته است. الگوریتمی با الگوی هماهنگ، صدور رأی قضایی را به‌درستی مدل‌سازی می‌کند؛ زیرا ایجاد راه‌حل‌های منطقی و قابل قبول در پرونده‌ها بر عهده قوه قضاییه است که حقایق قوانین یا تناسب آن‌ها با یکدیگر مورد اختلاف هستند.

تصمیم‌گیری قضایی حیطه بسیار پیچیده‌ای است که مهارت‌های قانونی سطح بالا را با شایستگی‌های احساسی و شناختی القا می‌کند. مفاهیم اصلی زیادی در زمینه رویه قضایی حقوق مانند عدالت ملاحظات منطقی و عقلانیت به شکلی زندگی انسان کمک می‌کند. علاوه بر این، استدلال قضایی شامل مهارت‌های شناختی همچون ارزیابی حقایق، تفسیر متون، ارائه قیاس و شرکت در تعاملات مناظره‌ای است.

صدور رأی علی‌رغم پیچیدگی خود از اهمیت اجتماعی برخوردار است. درواقع، همان‌ترین خصوصیت عملکرد حقوق است. هر مورد ممکن است شامل علایق مهم و احساسات عمیقی باشد و حل و فصل آن‌ها بر انتظارات تمام کارگزاران حقوقی اثر بگذارد و آگاهی آن‌ها را در مورد سیستم قانونی شکل دهد. در این خصوص، اقدام قانونی به توجیه رویکرد محتاطانه‌ای می‌پردازد که به‌سختی بتوان در مورد خطرات جایگزینی صلاحیت قضایی با مدل خشک کامپیوتری اغراق کرد.

کاربرد ساده الگوریتم هوش مصنوعی مانند چرخه ارائه قوانین شبکه عصبی یا ایجاد ساختار، حتی در صدور رأی در امور قضایی ممکن است به نتایج آموزنده یا قابل قبولی برسد که از تحلیل ماهیت عموم شرایط پردازش اطلاعات با روش‌های ضروری محاسبه می‌شود. تحقیق در مورد حقوق و هوش مصنوعی با توجه به هدف موضوعیت مدل‌سازی صدور رأی قضایی باید به دیدگاه‌هایی در مورد اصول زیادی دست پیدا کند که به مطالعه صدور رأی قضایی مانند تئوری حقوقی رویه قضایی روانشناسی و جامعه‌شناسی و تئوری سازمانی پرداختند. تئوری حقوقی، بیشترین بخش

تحلیل‌های متدولوژیکی را به حل مسائل قضایی اختصاص می‌دهد و مجموعه‌ای غنی از مدل‌های توصیفی و تجویزی را مطرح می‌کند (داودآبادی و خزاعی، ۱۳۸۷).

۴-۱- دعاوی که توسط هوش مصنوعی قابل استماع هستند

ما در جهت رسیدن به دادرسی عادلانه می‌توانیم از هوش مصنوعی در این راستا بهره ببریم. هوش مصنوعی سرعت رسیدگی را بالا می‌برد و باعث می‌شود در راه جلوگیری از تضییع حقوق افراد، اعتماد مردم به دستگاه قضایی بیشتر شود. رسیدگی به شکل سنتی که در حال حاضر در حال اجرا در کشور است، روند چندین ساله دارد. از زمان تقدیم، برای دادخواست به دادگاه، زمانی چندین ماهه برای جلسه رسیدگی تعیین می‌شود. این نشان از این دارد که در دادگاه‌های ما روند رسیدگی سریع نیست و این کندی باعث می‌شود که حق فرد در زمان مناسب به او نرسد و باعث شود که از عدالت جا بماند. استفاده از هوش مصنوعی باعث می‌شود که مطالعه پرونده و تحلیل آن سریع‌تر از قاضی سنتی صورت بگیرد و بدین شکل حقوق فرد توسط دادگستری بهتر تعیین و تضمین می‌شود. حال باید بدانیم که در روند حقوقی و دعاوی افراد در کجاها می‌توانیم از هوش مصنوعی بهره ببریم.

در دادرسی‌های اداری به دلیل اینکه تظلم‌خواهی افراد از تصمیمات دولتی و حکومتی است، ما می‌توانیم از هوش مصنوعی استفاده کنیم و تصمیم دقیق را اتخاذ کنیم. تحلیل در این زمینه را بر عهده هوش مصنوعی می‌گذاریم. در دادرسی‌های حقوقی که در صلاحیت محاکم حقوقی هستند، ما می‌توانیم از هوش مصنوعی بهره ببریم و مطالعه قراردادهای و بندهای موجود را بر عهده هوش مصنوعی بگذاریم و تحلیل آن را از اسناد و مدارک استخراج کنیم. این امر باعث می‌شود در پرونده‌های کلان که مطالعه چندین ساعته را می‌طلبد و در این بین ممکن است از سوی قاضی سنتی به علت خستگی زیاد خطای سهوی رخ دهد، می‌توان از هوش مصنوعی استفاده کرد که فارغ از احساسات است و خستگی معنایی تعریف نشده برای هوش مصنوعی دارد.

در پرونده‌هایی که به صورت خاص در صلاحیت دادگاه خانواده هستند، به علت اینکه خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در هر کشور است و احساسات در این زمینه بسیار تأثیرگذار است، ما نمی‌توانیم هوش مصنوعی را در این گونه تصمیمات دخیل کنیم؛ زیرا احساسات قاضی در این میان باید تأثیرگذار باشد. برای مثال، در خصوص حق حضانت کودکی که احتیاج به مراقبت و تربیت صحیح دارد، ما نمی‌توانیم از هوش مصنوعی استفاده کنیم تا از طریق اصول تعریف شده، حضانت را به پدر بدهد و یا به مادر. در این موارد، قاضی باید با بررسی جمیع اوضاع و احوال به این نتیجه برسد که فرزند در کجا رشد بهتری خواهد داشت؛ زیرا همین کودک می‌تواند در سالیان بعد فرد تأثیرگذاری برای جامعه باشد و یا از طریق یک تصمیم اشتباه قاضی در معرض یک تربیت ناصحیح قرار گیرد و فرد پرخطری برای جامعه فردا باشد.

سیستم اختلاف مالیاتی ایران، از طریق مراجع اداری و یا مراجع شبه قضایی دنبال می‌شود. رئیس امور مالیاتی بر اساس ماده ۲۳۸ قانون مالیات‌های مستقیم، مرجع حل اختلاف رسیدگی اداری است و هیئت حل اختلاف مالیات مطابق ماده ۲۴۴ قانون مالیات‌های مستقیم، مرجع رسیدگی به کلیه اختلاف‌های مالیاتی است که این هیئت شامل نماینده سازمان امور مالیاتی کشور، قاضی، اعم از شاغل یا بازنشسته و نماینده‌ای از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی است (باقری و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین، هیئت حل اختلاف مالیاتی تجدیدنظر بوده که مرجعی شعبه قضایی برای حل اختلافات مالیاتی است. ما می‌دانیم که رسیدگی به اختلافات مالیاتی باید بسیار شفاف صورت گیرد. ما می‌توانیم از طریق هوش مصنوعی به این شفاف‌سازی برسیم. کوچک‌ترین بخش از دادرسی مالیاتی به علت حساسیت زیاد در منافع عمومی نباید شبهه‌ای در آن باشد. با توجه به تورم صورت گرفته در کشور، از این هزینه‌ها باید کاسته

شود و پرداخت‌ها در سر موعد صورت گیرد. هوش مصنوعی می‌تواند با سرعت در روند رسیدگی موجب گردد که پرداخت‌ها در سر موعد صورت گرفته و از اتلاف وقت جلوگیری شود.

در خصوص دعاوی مربوط به اسناد تجاری، درباره تشخیص اصالت مندرجات در سند، هوش مصنوعی می‌تواند اصالت آن را تأیید یا رد کند و دیگر نیازی به صدور قرار کارشناسی و یا اثبات جعلیت در محاکم کیفری نیست. همان‌گونه که می‌دانیم، رونق اقتصادی یکی از مهم‌ترین ارکان اجتماعی است که باید به سرعت حل و فصل شود تا چرخه اقتصادی از حرکت بازماند. با بهره‌گیری از هوش مصنوعی به صورت خاص، در اسناد تجاری حل و فصل اختلافات در این زمینه با سرعت انجام می‌گیرد.

۴-۲- تنظیم اتوماتیک اسناد

تنظیم اسناد به صورت اتوماتیک به حل مسائل بسیاری در زمینه حقوق کمک می‌کند، مانند تحلیل پیامدهای حقوقی و فرضیه‌های گوناگون و مشاوره در زمینه قراردادنویسی که تمام این کارکردها جزئی از مهارت‌های حرفه‌ای و ضروری برای وکلا و قضات است. در آمریکا قسمتی از این حرفه وکلا را نرم‌افزارها تنظیم می‌کنند که بخش مهمی از زندگی هر فرد را تشکیل می‌دهد. مثل روابط حقوقی چون وصیت‌نامه‌ها، قراردادهای اجاره‌نامه‌ها و اسناد اقناعی ناشی از دعوا همچون دفاعیات درخواست‌ها و لوایح توجیهی تشکیل شده است.

تنظیم اوراق اسناد فعالیت محوری قوه قضاییه از حل اختلاف توسط قضات عمومی در اسناد مکتوب تجسم می‌یابد. پیچیدگی این اسناد می‌تواند متفاوت باشد؛ از یادداشت‌های کوتاه گرفته تا نظرات استینافی طولانی. در حالی که تنظیم اسناد قضایی عمدتاً بر عهده قضات است؛ اعضاء گوناگون کارمندان قضایی از جمله منشی و کارمندان دفتری نیز به آن‌ها کمک می‌کنند (سارتور و برنتینگ، ۱۳۹۹).

با تنظیم برگه‌های قضایی به صورت اتوماتیک، سازگاری اسناد قضایی با سهولت بیشتری به دست می‌آید. اول اینکه سیستم آمریکایی انگلیسی نظریه پیروی از رویه قضایی را پذیرا است که تحت آن، تصمیمات قضایی می‌تواند به عنوان مرجع حل اختلافات استفاده شود؛ بنابراین، تأثیر یک سند ممکن است فراتر از طرفینی که اختلافشان موجب ایجاد آن سند شده، گسترش یابد. دوم اینکه صحت همه تصمیمات و حکم‌های قضایی به جز تصمیمات و حکم‌های قضایی عالی‌ترین دادگاه در یک حوزه منوط به بررسی دادگاه عالی است. طرفی که تحت تأثیر یک تصمیم قضایی زیان‌بار قرار دارد، انگیزه قوی برای کشف اشتباه یا ناسازگاری در سند تجسم‌کننده آن تصمیم دارد؛ زیرا چنین اشتباه یا ناسازگاری می‌تواند برای حمله به آن تصمیم در دادگاه عالی استفاده شود؛ بنابراین، استانداردهای بالای درست بودن و سازگاری در تنظیم اسناد قضایی ضروری هستند.

تنظیم سند را می‌توان نوعی کار پیکربندی در نظر گرفت که در آن، عناصر متنی برای برآورده ساختن اهداف تنظیم‌کننده و مطابقت با قراردادهای پایه انتخاب و مرتب می‌شود. یک منبع پیچیده در تنظیم سند قواعد انتخاب تصمیمات و یک پیکربندی است که فضاهای جست‌وجوی بزرگی را که مشخصه بیشتر کارهای تنظیم قرارداد هستند، ایجاد می‌کند؛ اما دلیل بنیادی‌تر دشواری تنظیم سند این است که اهدافی که اسناد برای دستیابی به آن‌ها در نظر گرفته می‌شوند و قراردادهای پایه که باید با آن‌ها مطابقت داشته باشند، به ندرت صریح این اهداف و قراردادها برای توسعه ابزارهای خودکار جهت کمک در فرآیند تنظیم سند ضروری است. بازیابی تفسیر و انطباق اسناد قبلی و نگهداری اسناد چند نسلی و مقایسه اسناد را در سطح عمیق‌تر از ظاهر متن تسهیل کند.

سامانه ابلاغ الکترونیک، یکی از ابتکارات در حوزه قضایی است. امروزه با توجه به پیشرفت‌ها، این شیوه جایگزین شیوه ابلاغ قدیمی گردیده است که هم مقام قضایی، هم وکیل و هم طرفین دعوا زودتر در جریان دادرسی قرار می‌گیرند.

۳-۴- هوش مصنوعی و تصمیم‌گیری قضایی

گام نخست و ضروری برای آغاز بحث پیرامون امکان کاربرد مدل‌های هوش مصنوعی در تصمیمات قضایی اشاره به برخی چارچوب‌های نظری است که عملکرد تصمیم‌گیری قضایی و استدلال‌های قضایی را ملاحظه می‌کند. البته، این روند حاصل انتخاب‌های آزادانه یا اولویت‌های فردی نیست و باید مشخص کرد چه رویکرد نظری ممکن است به جوانب عملی تصمیمات اتخاذشده در زمینه اجرای عدالت نزدیک‌تر باشد که مسئله‌ای دشوار و بسیار پیچیده است. از طرف دیگر، تجربه چند سیستم قضایی و حتی در یک سیستم قضایی نشان می‌دهد، اختلافات بی‌اندازه در تصمیم‌گیری‌های قضایی به چشم می‌خورد. عوامل مؤثر بر شیوه‌های تصمیم‌گیری قضایی زیاد است؛ مثلاً شامل موارد شکل و ظرفیت دادگاه‌ها، یک قاضی یا هیئت قضات و غیره و ترکیب دادگاه قضات حرفه‌ای و مبتدی، قوانین دادرسی متعدد، شرایط واقعی پرونده‌ها، فرم و محتوای قوانین حاکم بر پرونده‌ها، شواهد موجود در روش‌ها و استانداردهای کاربردی جهت تصمیم‌گیری در مورد حقایق بر مبنای ادله موجود و حل مسائل حقوقی بر طبق قواعد و اصول هستند. از طرف دیگر، تاریخچه اخیر فرهنگ حقوقی غربی بیانگر تئوری‌های متفاوتی بوده است که به تصمیمات قضایی می‌پردازد. با این حال، تعیین بهترین تئوری در زمینه تصمیم‌گیری قضایی مسئله مهمی است. البته، تشخیص این اموال وابسته به روشی است که چنین تجربه‌ای توصیف و تفسیر می‌شود؛ زیرا تئوری‌های تصمیمات قضایی شامل توجیهات عقلایی تجربه تصمیم‌گیری هستند. تعداد و تنوع این تصمیمات حاصل تنوع تجارب واقعی و رویکردهای حقوقی و فلسفی مربوط به بحث اصلی تصمیم‌گیری قضایی هستند. با این حال، این پیچیدگی نباید از انتخاب منطقی در بین مدل‌های نظریه چنین تصمیماتی جلوگیری کند.

یک مدل به عنوان نقطه آغاز برای تحلیل بعدی که نسبتاً بیشتر این قرابت را به واقعیت تصمیم‌گیری در سیستم‌های حقوقی مدرن را دارد، در نظر بگیرید. نیازی نیست کل تئوری تصمیم‌گیری قضایی در بین تئوری‌های از پیش موجود و آماده انتخاب شود و تمام جزئیات آن را یک بار برای همیشه معتبر در نظر گرفت.

تأکید بر برخی نقاط اصلی حاصل از بهترین داروهای موجود مفید است. تصمیم‌گیری قضایی طبق یکی از این نکات می‌تواند و باید به صورت مجموعه‌ای از انتخابات در میان فرضیه‌های پیشنهادی موجود و ملاحظه شود. ایده اصلی این است که چند پرونده یا پیش‌نویس تصمیم‌گیری توسط طرفین به دادگاه ارائه می‌شود و برخی دیگر ممکن است توسط خود دادگاه تهیه شود. هر یک از طرفین نسخه از پرونده یا حتی بیش از یک نسخه را ارائه می‌کنند و فرضیه را برای تصمیم‌نهایی در مورد پرونده پیشنهاد می‌دهند. گاهی دادگاه با امکاناتی که دارد، ممکن است به فرضیه تصمیم‌گیری دیگری پی ببرد که با فرضیه‌های پیشنهادی طرفین متفاوت باشد.

روش سوم تصمیم‌گیری ممکن است توسط دادگاه جهت رسیدن به رأی نهایی به کار برود که موقعیت دادگاه در لحظه تصمیم‌گیری نهایی با توجه به وجود چند پرونده تصمیم‌گیری و با الزام دادگاه جهت انتخاب یکی از آنها به عنوان بهترین تصمیم ممکن در این زمینه مشخص می‌شود.

انتخاب فرضیه تصمیم‌گیری به چند دلیل ساده نیست؛ یک دلیل اینکه فرضیه تصمیم‌گیری، مجموعه پیچیده‌ای از عبارات است که هر عبارت پاسخی به موضوع مربوط یا قانون و یا حقیقت می‌دهد و یک پرونده را به عنوان دسته‌ای از موضوعات بین طرفین و دادگاه در نظر می‌گیرد. چنین موضوعاتی ممکن است با مسائل قانونی یا حقیقت امر سر و

کار داشته باشد. هر موضوع دارای دو یا چند پاسخ از ترکیب تمام پاسخ‌ها به موضوعات تعیین‌کننده تصمیم‌گیری در پرونده است.

تعداد این فرضیه‌های کلی از لحاظ نظری نامحدود است. درواقع، فقط برخی از آن‌ها مرتبط و هنگامی اتفاق می‌افتند که طرفین یا دادگاه به برخی ترکیبات احتمالی پاسخ‌های موجود به چند موضوع قانونی و واقعی مراجعه کنند. گروهی از فرضیات مورد ملاحظه دادگاه در تصمیم‌گیری به‌صورت زیرمجموعه بسیار محدود و موضوعات نظریه پرونده هستند. البته، نه تنها این فرضیات کلی شامل مجموعه‌ای از پاسخ‌های متفاوت به هر موضوع حقوقی هستند بلکه دو فرضیه متفاوت ممکن است شامل پاسخ‌های مختلف یا حداقل متفاوت به موضوع مربوطه باشد.

با این حال، حتی دو پرونده تقریباً متفاوت تصمیم‌گیری یک گزینه‌ای را نیز ارائه می‌دهد که دادگاه باید از بین آن‌ها انتخاب کند. آگاهی از پیچیدگی تصمیمات در تفاوت کلی در موضوع حقوقی و واقعیت‌ها است. موضوعات حقوقی با انتخاب قوانین حقوقی مربوط به پرونده و تفسیر کاربرد چنین قانون یا قوانینی ارتباط دارد. چنین موضوعاتی شامل ارجاع به قوانین حقوقی مکتوب کار برده رویه‌های قضایی قواعد و مباحث حقوقی و غیره هستند. تعیین راه‌حل‌های مسائل حقوقی با گروه پیچیده‌ای از پرسش‌های حقوقی و پی بردن به پاسخ‌های آن‌ها سر و کار دارند.

مجموعه‌ای از این پرسش‌ها و پاسخ‌ها رویه قضایی را تشکیل می‌دهند که تصمیمات نهایی موضوعات حقوقی مربوطه در آن اتخاذ می‌شود. موضوعات واقعی مربوط به اعتبار صحت و سقم عبارات و مباحث اصلی پرونده یا دعوا هستند. ابهامات موضوعی بر اساس شواهد موجود و ادله مربوط به این شواهد و استنباط حاصله از آن پاسخ داده می‌شود.

واقعیت‌های پرونده، مجموعه‌ای از عبارات هستند که می‌توانند درست یا غلط باشند. ممکن است مجموعه‌ای از چنین موضوعات و ارزش حقیقی آن‌ها مبنایی را تشکیل دهند که تصمیم یا رأی نهایی با ملاحظه حقایق پرونده اتخاذ شود.

استدلال قاضی با ملاحظه فرضیه‌های مختلف در مورد مسائل حقوقی و حقیقی دارای ساختار اساساً محاوره‌ای مبنی بر مقایسه تمیز و انتخاب نهایی بین راه‌حل‌های مختلف در چنین موضوعاتی است که توضیح اصلی برای این ساختار محاوره‌ای مناظره‌ای مطرح می‌شود. اکثر فرضیه‌های تصمیم‌گیری طبق توزیع اول توسط طرفین روند دادرسی جهت آماده‌سازی قضاوت نهایی پیشنهاد می‌شود. این فرآیند ممکن است به‌صورت اعتراض یا تعارض بین طرفین تفسیر شود.

از نقطه نظر آنچه طرفین می‌گویند، یک مکالمه است. هر یک از طرفین، دیدگاه یا دیدگاه‌های خود را در پرونده بیان می‌کنند که توسط اعتبارات قانونی تشکیل شده و آن را به‌عنوان فرضیه معتبر و موثق تصمیم یا رأی در نظرات می‌گیریم. در اصل، هر تأیید و اقرار یا تکذیب از جانب طرفین دعوا بر اساس ادعاها و دفاعیاتش آن مبتنی بر تعدادی از این عبارات بوده که شامل پاسخ‌ها و اعتراضات به عبارات یا موضوعات طرف مقابل است. رابطه مناظره‌ای بین طرفین در طول جریان قضایی برقرار است. تقابل میان طرفین، منبع اصلی فرضیات برای تصمیم نهایی دادگاه است؛ مجموعه‌ای از فرضیات که دادگاه باید از بین آن‌ها انتخاب کند. بر این اساس، توضیح ساختار محاوره‌ای استدلال دادگاه به‌شدت تحت تأثیر این حقیقت قرار می‌گیرد که تصمیم یا رأی دارای اثراتی بین طرفین است و هر نسخه پرونده که توسط یکی از طرفین پیشنهاد می‌شود، طبق تعریف در تعارض با نسخه‌های پیشنهادی طرف یا طرف دیگر است. دادگاه به مقایسه استدلال‌های مخالف و موافق عبارات و اعتراضات، اظهارات و انتشارات جهت انتخاب معتبرترین پاسخ به مسائل حقوقی و حقیقی پرونده می‌پردازد. استدلال در تصمیم‌گیری دقیق توضیح ممکن است به‌عنوان مکالمه

قاضی با خودش تفسیر شود و تصمیم‌گیری در مورد یک بار بنده با توجه به جایگاه متداولی که دارد، بازی پیچیده آزمون و خطاست.

کار قاضی از یک فرضیه آغاز می‌شود و نتایج آن توسط استدلال یکی از طرفین یا با توجه به احساس خودش یعنی علم قاضی در این زمینه به این فرضیه را جهت کنترل و تصمیم‌گیری در مورد درست یا اشتباه بودن امتحان می‌کند.

اگر خصوصیات، پیچیدگی، تنوع، انعطاف‌پذیری و صلاحیت را ملاحظه کنیم، هر رویکرد با هدف تفسیر استدلال قضایی طبق قوانین و مدل‌های منطقی ممکن است شکست بخورد. در حقیقت، تاریخچه تئوری‌های منطقی استدلال قضایی شامل سوء تفاهات، اشتباهات، دست‌کاری‌ها و شکست‌ها است. تاریخچه طولانی اقدامات ناموفق اما زیاد در تصمیم‌گیری قضایی به صورت منطقی یا مجموعه‌ای از اقدامات منطقی یک مثال بسیار خوب از این امر است. امروزه، مطالعات زیادی به مسئله ارتباط منطق و تصمیم‌گیری و ایجاد چارچوب‌های منطقی و درست برای استدلال قضایی پرداخته‌اند. عدم اعتماد و اعمال منطق در استدلال قضایی ممکن است کار را دشوارتر کند؛ هنگامی که مسئله ممکن است تفسیر و با توجه به منطق یا مدل‌های هوش مصنوعی کامپیوتری شود.

از طرف دیگر، اقدامات اصلی برای کامپیوتری کردن استدلال قاضی بسیار دشوار بوده و نمی‌تواند ماهیت پیچیده تصمیم‌گیری را تفسیر کند. لذا در ایجاد مدل‌های منطق استدلال قاضی موفق نبودند که این تلاش‌ها می‌تواند یک مدرک خوب در اثبات عدم امکان تفسیر و استدلال در روش‌های هوش مصنوعی باشد. از طرف دیگر ممکن است روند تصمیم‌گیری بسیار پیچیده، متغیر، غیرمطمئن، فازی و مبتنی بر ارزش‌ها باشد و هرگز به مدل‌های منطقه ختم نشود. این مدل‌ها چه‌بسا خصوصیات مهم استدلال تصمیم‌گیری را کنار می‌گذارد و به نمونه‌های منطقی نمی‌انجامد؛ بنابراین، چنین مدلی برای قضات از لحاظ توصیف نادرست و به‌عنوان یک مدل تجویزی نامتناسب هستند.

در حقیقت، این ایده که استدلال قاضی باید کاملاً مبنی بر مدل‌های منطقی ساده یا مجموعه از محاسبات کامپیوتری باشد. غیرقابل توجیه است. با این حال، مسئله اصلی یافتن مدل ساده و آماده نیست بلکه برخی از قابلیت‌های هوش مصنوعی در تفسیر استدلال کاربردی توسط قضات یا حداقل برخی از خصوصیات چنین استدلالی است که این کار با مدل‌های منطقی ساده و آسان انجام نمی‌شود. از طرف دیگر، تحقیق در زمینه هوش مصنوعی به سرعت در حال پیشرفت است و فهرست در حال رشدی از ابزارهای تحلیلی را پیشنهاد می‌دهد که امیدواریم بعضی از آن‌ها مطابق با مشکلات استدلال قضایی باشد. بدین ترتیب، این مسئله در حال حاضر شامل اقداماتی است که به امکان کاربرد هوش مصنوعی به عنوان ابزار استنباط تفسیر و ارائه استدلال قاضی بی‌اعتماد هستند؛ اما هر دو نگرش بر اساس وضعیت کنونی کاربرد هوش مصنوعی برای مسئله تصمیم‌گیری قضایی دارای جایگاه درستی نیستند. باید روندهای مربوط به این ایده را بررسی کرد تا مطمئن شد مفید و جهت‌دار هستند. انجام تحلیل دقیق در مورد پژوهش‌های اخیر در زمینه هوش مصنوعی با توجه به چندجانبه از استدلال قاضی امکان‌پذیر نیست. با این حال، بررسی اطلاعات عمومی و ترکیب مسیرهای اصلی این پژوهش جهت نمایش ارزیابی‌ها و ملاحظات عمومی کاربردی است که بیان می‌گردد.

یک گروه از مطالعات با هدف استانداردسازی رویه‌های کاربردی در دادگاه‌ها طبق مدل کامپیوتری انجام می‌شود. هدف این تحقیقات، تسهیل مدیریت برخی از موارد استفاده از کامپیوتر در دادگاه‌ها به عنوان یک ابزار کاربردی سریع و اقتصادی است ایده اصلی، ارائه برنامه کامپیوتری منطبق با رویه قضایی است؛ بنابراین، این رویه طبق کامپیوتر ایجاد و مدیریت می‌شود.

در هر مورد باید فقط هر داده را وارد کرد و نتیجه به صورت دستور قاعده و حکم صادره باید به صورت خودکار ایجاد شود. گاهی نتایج جالبی در برخی موارد حاصل می‌شود. با این حال، تجربه نشان می‌دهد محدودیت‌ها و مشکلاتی

در توسعه دیدگاه‌های کاربرد هوش مصنوعی و عملکرد دادرسی‌های قضایی وجود دارد. قاعده و محدودیت‌های مهم این است که دادرسی‌ها باید ساده باشند و بتوان آن‌ها را در پرونده‌های زیادی بدون تغییر اساسی تکرار کرد. این امر شرط مهمی برای قابلیت اداره برنامه است.

هر رویه دادرسی ساده ممکن است به فرم برنامه کامپیوتری باشد که به دلایل جزئی راحت‌تر استاندارد می‌شود و هر مرحله از دادرسی باید به بخشی از برنامه تبدیل شود. هرچه تعداد مراحل دادرسی کمتر باشد، آن‌ها را آسان‌تر می‌توان در یک نرم‌افزار قرار داد. خصوصیت مهم‌تر سادگی تعداد محدود گزینه‌هایی است که موجودند یا باید در هر مرحله از دادرسی جهت انتخاب پذیرفته شوند. اگر دادرسی در زمان معینی در مسیرهای متفاوت صورت گیرد، باید دانست این تفاوت مسیرها در برنامه‌ها صورت می‌گیرد. اگر در مسیرهای مختلف دو یا سه مورد باشند، بهتر از این است که بیشتر باشند و اگر فقط چند مورد انتخاب در یک دادرسی باشند، بهتر است هر انتخاب و تمام گزینه‌های پذیرفته‌شده برای آن‌ها از قبل جهت برخورداری از رسمی کردن کامل دادرسی مورد ملاحظه تعریف شود (سارتور و برنتینگ، ۱۳۹۹).

۵- نتیجه‌گیری

هوش مصنوعی، فناوری و جهشی در یافته‌های بشری برای کاهش مشکلات و مشغله‌های زندگی و شغل انسان مدرن است که می‌تواند به منزله دستیار با جانشین خلف انسان در بسیاری از وظایف و مشاغل سخت پرخطر تکراری با دقیق عمل کند و زندگی مدرن را برای انسان‌ها آسان‌تر سازد. کارآمدی هوش مصنوعی در بسیاری از عرصه‌های مهندسی اثبات و پذیرفته شده است و تردیدها در قابلیت آن برای علوم انسانی بوده که امروزه این تردیدها در حال کم‌رنگ شدن است.

در تحقیقات جنایی، کاربرد هوش مصنوعی برای تصمیم سریع، درست و به‌موقع تشخیص درست مظنونان و اقدام مناسب، همچنین پیش‌بینی خطرها و احتمالات ارتکاب جرم بسیار مؤثر خواهد بود؛ بنابراین، تحقیقات جنایی مدرن می‌تواند نه تنها بر کشف جرم و پیگرد قانونی افراد بلکه بر پیشگیری از جرم و حتی پیش‌بینی آن نیز تمرکز کند. در این پژوهش به نمونه‌های مشابه آن در کشورهای مختلف پرداخته شده است تا بتوان مواردی از آن را در ایران پیاده‌سازی و اجرا کرد که موجب به‌کارگیری روش‌هایی برای ارتقای امنیت و مبارزه با جرم خواهد شد. در نتیجه، هوش مصنوعی با فرمول‌بندی شواهد منطقی بازسازی سه‌بعدی صحنه‌های جرم، مدیریت مؤثر شواهد و تجزیه و تحلیل آن‌ها برای رسیدن به نتایج منطقی در مراحل مختلف به کارشناسان و بازرسان در تحقیقات جنایی کمک می‌کند. به کارگیری هوش مصنوعی باعث تغییر در قواعد و نحوه تحقیقات جنایی و حرکت به سمت دنیایی امن‌تر خواهد شد؛ البته به بهای کنترل و نظارت بیشتر خواهد بود که کارآمدی و عملکرد بهتر پلیس در نظارت بر جامعه، گمانه‌زنی، مقابله با بزه‌کاری و آسیب‌های اجتماعی به‌منظور برنامه‌ریزی شهری در ایجاد عوامل بازدارنده جدی در بزه‌کاری و خفه کردن حرم در نطفه را در پی خواهد داشت.

منابع

- باقری، مصطفی، توسلی نائینی، منوچهر، و دالمن‌پور، محمد. (۱۳۹۸). تأملی در نظام دادرسی مالیاتی (اداری-قضایی) ایران و آمریکا. پژوهشنامه مالیات، ۲۷(۴۴) (۹۲ مسلسل)، ۴۵-۶۶.
- حیدری، سیروس. (۱۳۸۹). اصل تناظر در حقوق فرانسه و کامن‌لا. مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، ۲(۱)، ۱۵۸-۱۲۳.

خبرگزاری ایرنا. (۱۳۹۸). هوش مصنوعی در جهان (جمهوری هند). <https://irna.ir/xjtQPk>

داودآبادی، مرضیه، و خزاعی، زهرا. (۱۳۸۷). بررسی مسائل اخلاقی در سیستم هوش مصنوعی. پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۱۰(۱)، ۹۵-۱۲۰.

سارنور، گیواندی، و برنتینگ، کارل. (۱۳۹۹). کاربرد قضایی هوش مصنوعی (ترجمه شفیع، محمدسعید، و ابوذری، مهرنوش). تهران: نشر میزان.

صادقی، محسن. (۱۳۴۸). اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه. تهران: نشر میزان.

علی‌محمدی، زهرا. (بی‌تا). تمیز اصول دادرسی بر روند دادرسی عادلانه.

فرحزادی، علی‌اکبر. (۱۳۷۹). معرفی اجمالی اصول بنیادین در دادرسی اسلامی. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۹ و ۲۰، ۳۷-۸۰.

یاوری، اسداله. (۱۳۸۳). حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین. حقوق اساسی، ۲(۳).

<https://www.unodc.org/dohadeclaration/en/news//it-and-ai-new-challenges-for-judiciaries.html>

Niler, E. (2019). *Can AI be a fair judge in court? Estonia thinks so*. Wired.

<https://www.wired.com/story/can-ai-be-fair-judge-court-estonia-thinks-so>

